مراسلات ابن یمین

برتلس

دورن در تعریف خود این قسمت را Traite? sur le style e?pistolaire نامیده و در اینجا کاملا سوءتفاهم است چه این قسمت کتاب ترسل‏ نبوده بلکه منتخباتی است از مراسلاتی که ابن یمین باشخاص مختلف‏ نوشته است ضمنا ذکر این نکته لازم است که هیچیک از نسخه‏های معروف‏ این مراسلات را ندارند فقط نسخه کتابخانه عمومی لنین‏گراد دارای این‏ قسمت میباشد بطوریکه در فوق اشاره شد از آخر نسخه لنین‏گراد چند ورق افتاده و بدین جهت قسمتی از مراسلات از بین رفته و آنچه باقی‏ مانده بیست و پنج مراسله است

مراسلات فوق الذکر برای نوشتن شرح زندکانی ابن یمین مدرک‏ و مأخذ گرانبهائی بوده و به پرده نقاشی که آقای رشید یاسمی ترسیم‏ نموده‏اند ریزه‏کاریهای جالب توجهی اضافه میکنند نظر باهمیت منحصر بفردی که مراسلات مزبوره دارا میباشند من در اینجا دو مراسله آنرا عینا نقل میکنم از ذکر مضمون بقیه مراسلات مجبورم عجالتا خودداری‏ کنم زیرا ذکر و نقل آنها سطور زیادی را لازم دارد.

\*\*\*

مراسلهء اول

«صاحب اعظم علادین و دولت که ایام حیوتش‏1در سعارت بکام‏ دوستان حضرت عالی او تا بروز حشر پاینده باد و از بدایام در عصمت‏ ایزد بحق مصطفی بندهء درگاه خود ابن یمین را فراوان وعده داد اندر خراسان و گفت در نزد من آئی بیا پی کرمها خود پس از رنج چو نزد بارگاه او رسیدم ندیدم وعدهء او را وفائی و در آفاق خود گوئی که‏ عنقای مغرب شد کرم در نی چرا غیر نام از وی نشان هرگز نداد است‏ عاقل خاصه در ایام ما والسلام»

(1)املاء متن رعایت میشود

مراسله دیگر

در نامه دیگر ابن یمین مثل یک نفر شخص رسمی عنوان مطلب‏ کرده و به مأمورین دولتی فرویمد اوامری میدهد و بهمین ملاحظه این‏ مراسله بیش از مراسله قبل جلب توجه میکند(ورق 445)

«استیضاح سعادات یزدانی و استنتاج مقدمات کرامات ربانی و استقبال‏ فیض الهی و استعداد قبول فضل نامتناهی بترفیع قواعد و مبانی دین و تشنیع‏ سنن سنین سید المرسلین علیه افضل اصلوات و اکمل التحیات میسر و مهیا و مشرب عذب ان مصفی رمهنا تواند بود و بر رای ثاقیه و افکار صابیهء اصحاب‏ عقول و ارباب معقول و منقول پوشیده نماند که مستعد ادراک این سعادت‏ و مثمر ثمرات این کرامت آنکس تواند شد که در تقویت سالکان شرایع‏ شریعت و متقیان طرایق طریقت مساعی جمیله بتقدیم تواند رسانید و متحملان‏ اعباء لو انزلنا هذ القران علی جبل لراتیه خاشعا متصدعا من خشیته للّه را زلال‏ تربیت تواند چشانید

شعر

هذی المکارم لو ثوبان من عدن‏ خیط قمیصا فصارا بعد اسمالا

و چون صورت حال برین منوالست بر ذمم همم اصحاب مکنت و ارباب بسطت‏ واجب و لازم باشد در فراغ بال و رفاح حال حفظ قرآن مستنیر و کتاب احکمت‏ ایاته ثم فصلت من لدن حکیم علیم کوشیدن(ورق 445)و این طایفه را لباس امن و امان پوشیدن تا از سر فراغت و اطمینان بتلاوت آیات بینات‏ قرآن اشتغال توانند نمود و برکات و مثوبات آن بایام دولت روزافزون‏ واصل تواند بود بنابرین مقدمات این مکتوب صادر شد تا نواب و متصدیان‏ فریومد احسن اللّه احوالهم و ادام علی المبرات و الخیرات اعمالهم جماعتی‏ حفاظ اسامی ایشان مفصل میگردد فلان فلان فلان چون متغای که بموجب‏ حکم یرلیغ همایون و لنمغامیمون بتجدید مقرر و معین و مقدر و مقنن شده‏ است رسانیده باشند بهیچ‏وجه دیگر از تکالیف و مؤنات دیوانی بایشان‏ خطابی نکنند و باخراجات و عوارضات مزاحم نکردند و به پیکار و شیکار تعرض نرسانند و ایلچی و آینده و رونده بمساکن و مواطن ایشان فرونیارند و چهارپایان ایشان را الاغ نگیرند و در ترقیه حال ایشان هیچ دقیقه‏ مهمل نگذارند و چنان سازند که بانواع امداد شکر متواصل دارند و تحریض و اکتساب این فضیلت و اقتنای این وسیلت جماعتی را که قاید توفیق رفیق گردد تا بحیله حفظ کلام ربانی متحلی و بزینت ضبط آیات‏ سبحانی متزین شوند داخل آن حکم دانند و آن طایفه را برقرار سایر حفاظ از جمیع قلانات معاف و مسلم شناسند تا ثواب آن در روزی که‏ لابیع فیه و لاخلة و لاشفاعة دستگیر ممکنان گردد انشاء اللّه وحده درین باب‏ تقصیر ننمایند کتب فی تاریخ فلان»

جای بسی تأسف است که از قرار معلوم در ضمن درج‏نامه‏ها و مراسلات‏ در جزو دیوان اسامی بعضی اشخاص و تاریخ را عمدا حذف کرده‏اند و البته اگر این حذفیات نبود قیمت اسناد بمراتب بیشتر بود در هر صورت‏ نامه‏های ابن یمین باین شکل هم که باقیمانده جالب کمال توجه و بدین‏ جهت در موقع طبع دیوان ابن یمین نسخه موجوده در کتابخانه عمومی‏ لنین‏گراد را نبایست از نظر دور داشت ی.برتلس.

ویلهلم تل

ترجمه آقای نصر اللّه فلسفی‏ -2-

تل با پسر خود«والتر»از خانه خارج میشود و برای ملاقات‏ پدر خویش به«آلتورف»میرود.در میدان«آلتورف»با کلاه حاکم‏ که بالای چوب قرار داده بودند مصادف میشود و ندانسته از کنار آن‏ گذشته سلام نمیدهد.مأمورین حکومت میخواهند تل را بجرم اینکه‏ حکم حاکم را مراعات نکرده است بزندان برند.مردمدور آنها اجتماع میکنند.